

تصفیه نیروهای انقلابی، مرحله‌ای از روند سازش و ارتجاع

تس به انتشار نشریه علمی دادیم مفهومش را میدانستیم منتظرش این بود که بهر حال علیرغم ربا شایه و کمیبودها سیستم حاکم دیگر لاف‌آلودند توانمند و مغروران را به پیش اسلامی و انقلابیها رعایت میکند که بتواند شرکات را علنا منتشر کرد. از آنجا که ما با اعتقاد به ایدئولوژی رها شیبش توحیدی و پیشروانه‌ای انقلابی-سوسیالیستی هستیم که هیچ شرایطی قادر نیست آزادی ما را مطلقاً محدود کند. و بهر حال خداوند راههای و اصول به فله آزادی را هیچوقت از شما نبرداریه نگردد است بنا بر این خود را در قبال استفاده از امکانات نشر علمی "مجاهد" به هیچ فرد یا مقامی با تصور سوداگرانه نهد که ربا شایه دادیم بلکه آزادی را بهر دستاوردی از شما نبرداریه ندادیم و خود را بابت آزادی در قبال خدا و خلق و مفرات مردمی و اسلامی مسئول میدانیم. متقابلاً نشر علمی "مجاهد" را از آنجا که یکی از مبارزهای وجود شرایط

برای تخلیه محل استقرار جنبش ملی مجاهدین ابتدا اجرت نگهبانی را مشترکاً با بقایای ساکوا گرفتار داشتند. آنها مردم آنجا را تحریک میکردند. تا آنجا که تحریکات ما نشان داد برای نهمه‌های شباز ساعت ۱۲ تا ۸ صبح ۸۰ تومان اجرت میدادند. تا رگبک ترین کلمات شتر و خواهران و برادران مسافر شود. بدو لاف‌آلودی در باره پیوسته که نیمه شباز محل به عمل آوردند همه ما اجرا را شاهد بودیم. و همچنان که بعد از رجحان از ارفول همسر ایشان در روزنامه‌ها نقلات ناراحت و گریان بخانه بازگشتند.

بهر حال در قدیم اول آنها بخواب شدند بدون کسب رسمی آنجا را تصرف کردند، و چهره گریه خود را بنام مردم مینمودند. تا آنکه مردم ما این چنین مردم گردیم - ما را با رها تجربه کرده اند فراموش نکرده ایم که در دهه سفت سال ۱۳۲۱ شاه ما اشاره به جمعیت انبوهی که دورا کمر هم جمع کرده بود و با این وسیله هم خواست از دست مرحوم دکتر سر بعدی راحت بشود. مدعی شد که مردم ما از ما غنیمت خوریم کتور شده اند! البته نوشته شد کتور خورد و بهوشای فقیده در مقام خود باقی ما ندیده‌ها نیز در دادگاه نگاه می‌گفت که: اگر آنروز (استفاد) هم موقوف میشدند می‌گفتند که "مردم" را کفر سیدین و اجنسی پرستار! با سابقه کردند!

همچنین وقتی او با تو در رأس آنها شعبان بی مع غانه مدق را غارت کردند، دستگاه های تبلیغاتی شاه ملی بیست و پنج سال بعد از ۲۲ ملی بودند. ند که مردم ما حساب مدق را رسیده اند! کما استیگود - تا غاشانه ۲۸ مرهه در نهمه بنحوان قیام ملی بنفون افکار عمومی داده میشد. اگر برخی آن سالها ربه یا ندند داشته باشند اقل به یاد دارند که حتی چند هفته قبل از سقوط شاه، مزدواری که به طرفداری از اصلاح قان تون اساسی (وقبل از رستاخیز) دفاع میکردند مردم ما معرفی میشدند. و بعضی انبوه توده های واقعی مردم که در حد بودند با نظا هسرات و اقدامات گسترده خود رژیم شاه را از آنگون کنند "چند نفره - بکار معرفی میشدند که زمین شهر به آن شرمناقت میکنند ملاحظه میشود که با این منطبق لابد لشکر تام و عرصه و شهر بن ذی لجنوش نیز در مقابل ۲۲ تن در کرمان مردم ما بودند. و همچنین گویا این مردم ما بوده اند که علی بن ابی طالب را تنها میداندند. میدان علی (ع) از تنهایی خود زیاد شگوه میکرد، تا حدی که میگویند شاه سر در چاه فرو میبرد و در دل میگرد.

بله وقتی می‌کنند انقلابی حرف و تاثیر استیفات سواد فراموش شوند ر استیفات استعمار بودیم و انتظار داشتیم. شوه دانشگاهی به دنبال اتفاق افتاد آنچه که انتظار نداشت، و اتفاق نیتفستان انگریز آنچه که انتظار داشت، اساس می‌کنند که اگر در برجست سکون باز هم مثل گذشته ما با عینک بیزاید رستم جاسم و خصوصاً دانشگاه تهران بود. همه کام زنده گی در فیسین از غوط و بیزه منحرف کار فرما فو... بنسابت بی بندوا میانه در نهایت مدغمین علیه...

و درست در همین نقطه سوال بسیار اساسی پرسید که باید کرد؟ مطرح میشود. و از همینجا شکلات ما آغاز میگردد:

نفرین شود درسا لکارگر و... و نظایه دانشگاه در مقابل شکلات فرنیکی ما در می‌مکند دانشگاه در مقابل دمو گراسی خیره صیح بخورده با جریا نه و نیرو هسرای مختلفا جمعی و میمونوا داخل دانشگاه و... که با بدبایاری عدا با هم مورد بررسی قرار دادیم. (با تمام)

رایج باشد آنوقت دیگر همه آنها را اولیا هم به دست چنین مردمی بختل می‌رسند. بهر حال هوشیاری و فداکاری و حمایت طرفداران این نوشته - آری که بدست آقای دادستان انجام میدهد عقیم کرد. تا بالاخره چهار روزی ایشان در درس خنجر شرح زیر شما می‌شد. آنچه در این حکم جلب نظر می‌کند آنست که معلوم نیست چه دلیل آفتی دادستان تقاضای ضبط نشریات را کرده است؟

گروه ضربت مستقر در زندان اوین به موجب حکم به شما موریت داده میشود اما کن مجاهدین خلق که بدون کسب اجازه تحت تصرف و در اختیار دادستان می‌گردد ملاحظه جنگ افزا را اسناد و مدارک و نشریات موجود ضبط و اما کن مذکور اجتناف حفاظت و نظارت و با ملان را در صورت مقاومت جلب و به این دادسرا احرام دارید.

دادستان دادسرای انقلاب اسلامی تهران - احمد آذری قمی

پس از ارائه این حکم با یکی از نویسین نزدیک ما م. شمس از کتوریم و ایشان از قول امام گفتند که میتوانستید محل را داشته باشید. نتیجه صحبت ها با دولت نیز به آنجا منجر شد که آقای نخست وزیر کجسی جهت رسیدگی به وزیر دادگستری دادند و آقای صدر حاج سیدجلو دی وزیر دادگستری نیز نامه ای به مجاهدین خلق نوشته و برای مذاکره تعاضله ای خواستند.

ز نظر با شکمل میوزن باستان مود نمردن آن سازان ارترب بنای ای نخست وزیر وزارت دادگستری محسبل کرده است. با براهین اولیایک هفته دیگری سکونت و استفاده از باستان و ابوال و اینها میبرد راکه مر سوط بدانگستری و بنیاد ملوی است خواهد داشت تا نانی غسور در ایندنه ایند تا نا... تا این زمان برای آنکه واصل واصل

تیبه این زیارت سزنی کرد... وزیر دادگستری

در شرایطی که آقای وزیر دادگستری از طرف دولت مسئول بررسی بودند با دارن برای تخلیه محل مراجعه کردند. و این در حالی بود که حسب مطبوعات منگیبند. ولی آقای دادستان بعد از پیروا حرف های پدر را به هیچ گرفت. تلویزیون هم یک محاصه کذا بی ترتیب داد. حرف پدر طالق نام را پیش نکرده بود. ولی اتهام داد. نوال ما اینست که به راستی وقتی آقای آذری اسن گوتنه با پدر دهن به من دهن شود. و صحبت او را ندادند. اگر ما در این جریان حرفی میزدیم چه کذا بیسی سرهم میگرد؟ آیا در آن حو... به روش سینه ۱۰ آنا در حو... که ایجاد کرده بود. دادستان در حوالیستج بخشی باقی میگذاشت

روند سازش و ارتجاع ما خانه ما ن را تخلیه کردیم اما لیکه نگذاشتند حتی وسایل و نشریات متعلق به خود ما را نیز با خود ببریم. بویه همای نگورنه با کوه با لیاها جان ما سردم پناها که همان بونده خانه عمای خود رفتیم. در یک برخورد عمای میتوان تخلیه شما ما ن را به خرده حسابهای شخصی ما بانه ای مثل مورد نیاز زبون با سخنان اعدام دست گریبان بوده. و از دران شرایطی پایست چه می‌گوییم؟

لکن برادران ما تصمیم گیرنده عمدتاً قصد درگیری نداشتند. البته برای این برادران نیز که در همه سالهای سیاه خفان آریا مهری (که غیبی ها برای شمنوع آخ هم نگفته بودند) داشا با بخل و زودان و شکنجه و اعدام دست گریبان بوده. و از

هیچکس یک کلبه هم زور نمی شنیدند. کوتا آمدن در برابر عذاب چنان دادستانی سخت عذاب دهنده بود. و چه سا اگر ساله فقط بفرود خوتنا منتهی می شد هفت یا شش میندند و با دفع ظلم میگردند. ولی در آن شرایط خاص ما بیهوده تر از این چیزها بود. و درایت و هوشیاری زیاد تری نیاز داشت. برآستی ما در آن شرایط مینا بست چه می‌کردیم؟ آیا در آن بین ممکن نبود دست ما پاکی از

گروه ضربت مستقر در زندان اوین به موجب حکم به شما موریت داده میشود اما کن مجاهدین خلق که بدون کسب اجازه تحت تصرف و در اختیار دادستان می‌گردد ملاحظه جنگ افزا را اسناد و مدارک و نشریات موجود ضبط و اما کن مذکور اجتناف حفاظت و نظارت و با ملان را در صورت مقاومت جلب و به این دادسرا احرام دارید.

دادستان دادسرای انقلاب اسلامی تهران - احمد آذری قمی

پس از ارائه این حکم با یکی از نویسین نزدیک ما م. شمس از کتوریم و ایشان از قول امام گفتند که میتوانستید محل را داشته باشید. نتیجه صحبت ها با دولت نیز به آنجا منجر شد که آقای نخست وزیر کجسی جهت رسیدگی به وزیر دادگستری دادند و آقای صدر حاج سیدجلو دی وزیر دادگستری نیز نامه ای به مجاهدین خلق نوشته و برای مذاکره تعاضله ای خواستند.

ز نظر با شکمل میوزن باستان مود نمردن آن سازان ارترب بنای ای نخست وزیر وزارت دادگستری محسبل کرده است. با براهین اولیایک هفته دیگری سکونت و استفاده از باستان و ابوال و اینها میبرد راکه مر سوط بدانگستری و بنیاد ملوی است خواهد داشت تا نانی غسور در ایندنه ایند تا نا... تا این زمان برای آنکه واصل واصل

تیبه این زیارت سزنی کرد... وزیر دادگستری

در شرایطی که آقای وزیر دادگستری از طرف دولت مسئول بررسی بودند با دارن برای تخلیه محل مراجعه کردند. و این در حالی بود که حسب مطبوعات منگیبند. ولی آقای دادستان بعد از پیروا حرف های پدر را به هیچ گرفت. تلویزیون هم یک محاصه کذا بی ترتیب داد. حرف پدر طالق نام را پیش نکرده بود. ولی اتهام داد. نوال ما اینست که به راستی وقتی آقای آذری اسن گوتنه با پدر دهن به من دهن شود. و صحبت او را ندادند. اگر ما در این جریان حرفی میزدیم چه کذا بیسی سرهم میگرد؟ آیا در آن حو... به روش سینه ۱۰ آنا در حو... که ایجاد کرده بود. دادستان در حوالیستج بخشی باقی میگذاشت

روند سازش و ارتجاع ما خانه ما ن را تخلیه کردیم اما لیکه نگذاشتند حتی وسایل و نشریات متعلق به خود ما را نیز با خود ببریم. بویه همای نگورنه با کوه با لیاها جان ما سردم پناها که همان بونده خانه عمای خود رفتیم. در یک برخورد عمای میتوان تخلیه شما ما ن را به خرده حسابهای شخصی ما بانه ای مثل مورد نیاز زبون با سخنان اعدام دست گریبان بوده. و از دران شرایطی پایست چه می‌گوییم؟

لکن برادران ما تصمیم گیرنده عمدتاً قصد درگیری نداشتند. البته برای این برادران نیز که در همه سالهای سیاه خفان آریا مهری (که غیبی ها برای شمنوع آخ هم نگفته بودند) داشا با بخل و زودان و شکنجه و اعدام دست گریبان بوده. و از

شماره ۵۸.۰۵۲۳
شماره ۱/۱۵۷۴۲
شماره



وزارت دادگستری

جناب آقای مجاهدین

ز نظر با شکمل میوزن باستان مود نمردن آن سازان

ارترب بنای ای نخست وزیر وزارت دادگستری محسبل

کرده است. با براهین اولیایک هفته دیگری سکونت و

استفاده از باستان و ابوال و اینها میبرد راکه مر سوط

بدانگستری و بنیاد ملوی است خواهد داشت تا نانی غسور

در ایندنه ایند تا نا... تا این زمان برای آنکه واصل واصل

تیبه این زیارت سزنی کرد... وزیر دادگستری

در شرایطی که آقای وزیر دادگستری از طرف دولت

مسئول بررسی بودند با دارن برای تخلیه محل مراجعه

کردند. و این در حالی بود که حسب مطبوعات منگیبند.

ولی آقای دادستان بعد از پیروا حرف های پدر را به

هیچ گرفت. تلویزیون هم یک محاصه کذا بی ترتیب داد.

حرف پدر طالق نام را پیش نکرده بود. ولی اتهام

داد. نوال ما اینست که به راستی وقتی آقای آذری اسن

گوتنه با پدر دهن به من دهن شود. و صحبت او را ندادند.

اگر ما در این جریان حرفی میزدیم چه کذا بیسی سرهم

میگرد؟ آیا در آن حو... به روش سینه ۱۰ آنا در حو...

که ایجاد کرده بود. دادستان در حوالیستج بخشی

باقی میگذاشت

روند سازش و ارتجاع ما خانه ما ن را تخلیه کردیم

اما لیکه نگذاشتند حتی وسایل و نشریات متعلق به

خود ما را نیز با خود ببریم. بویه همای نگورنه

با کوه با لیاها جان ما سردم پناها که همان بونده

خانه عمای خود رفتیم. در یک برخورد عمای میتوان

تخلیه شما ما ن را به خرده حسابهای شخصی ما بانه

ای مثل مورد نیاز زبون با سخنان اعدام دست گریبان

گفتگونی با «میر» بزرگترین فرزند پدر طالقانی

پیام زندگی آیه الله طالقانی: کسانی که انقلابی واقعی هستند از هیچ تهمت و برجسی نباید بترسند

پنجاهه ای هجرت پدر را و افکار آزادی، سیاسی تغییر کردند

در باره پدر طالقانی هم زیاد نوشته اند و هم زیاد گفته اند. لیکن پیام صمیمت کسانی که سالهای سال از نزدیک با پدر زندگی کرده اند لطف دیگری دارد. حال که در آستانه پنجاهمین عریش از دست رفته خود هستیم بی مناسبت نمیدانم که با صمیمت دوستان از نزدیکان - همسر و فرزندان بزرگ ایشان (فانام بریم طالقانی) - بنشینیم. حرفهای زیسر حاصل دو نشست و گفتگو با ایشان است.

سوال: رابطه آقا با شما چگونه

و در چه حدی بود؟ جواب: بعضی وقتها که مسئله ای پیش می آمد میبایست که به عقل باطن من اینچنین میرسد به عقل باطن شما چطور؟ در منزل خیلی خوش اخلاق بود، و خوش خلق یکی از رفقا نشان بود. دختر و پسر برایشان ترق میگرد. بعضی اوقات هم میگفتند من از دخترهایم بیشتر از پسرهایم راخیم.

سعی کنید خودتان آرازه مطالعه به

یقین برسید، دگر نباشید

شما در مورد مسائل سیاسی

با صمیمت میگرد؟

بعضی اوقات که لازم بود سوالاتی هم از من میگردند. آنجا بی هم از من میگردند. اظهار نظرهایی هم میخواستند مخصوصاً از نظر اسلامی. مثلاً یکبار به من گفتند میگویند است هر شخصی مخصوصاً جوانی که هائی برایش بود نباید، برای خود من هم پیش آمده، سعی کنید خودتان آرازه مطالعه یقین برسید. دگر سباید. هر کتبی راه هم که میخواهد مطالعه کنید چیز خصوصی را پیش پای ما نمی گذارند. میگفتند هر کتبی که نمیکنید به غیبتان میرساند مطالعه کنید که شما با آقا اختلاف عقیده پیدا کرده باشید؟

بعضی اوقات قبل از انقلاب مستتر به هم نزدیک بودیم. اما بعد از انقلاب گرفتاریهای آقا آفتد ز یاد نماند که کمتر در خانه نماند. میسرید. یک چیزهایی میبینید فکر میگردم آقا اینها را میدانند. دشمن میخواست آقا که شخصیت سیاسی هستند توضیح بدهند با آراحتی میرفتم پیش آقا که چرا اینطور شد و چرا آنطور؟ ایشان که هر چیز سیاسی را نمیتوانستند تا ما در میان بگذارند. گاهی وقتها سکوت میکردند. گاهی وقتها جوابهایی که خوب ما را قانع نمیکرد. بعد از آنراحت میفهمم. ما حالت قهر و ناراحتی از منزل می آمدیم بیرون. آقا خودش میفهمید. بعد فکر میگردم که خوب نباید ما همه مسائل را بدانیم در مورد مسائل هم که گفتند اشتکالی نداشت اگر اختلاف پیش می آمد. اول حالت ناراحتی پیش می آمد. بعد سعی میکردیم بنشینیم پیش هم که صحبت کنیم. یا اینکه ما سالی که باعث ناراحتی آقا میگردیم چون خودمان احساس میگردیم که آقا همه چیز را میدانند، لیکن سعی داشت آنطرف را نماند. هم سخن گفتار بسیار بود.

پدر در خانه حالت متواضعی داشت

آقا تأثیر سرداشتهای عامی

چگونه بود؟

بعضی اوقات یک حالت بزرگتری

یک حالت امری بر روی کردن هیچ

وقت در خوش نبود. یعنی اگر

یک لیوان آب میخواست و همه

بچه ها می آوردند خودشان میسرست

می آوردند یک حالت متواضعی داشت

با بچه های کوچک مخصوصی خیلی

خوب بود. بچه ها مصفا نینش میگرد

و باعث ناراحتی می شدند. بچه

خانمش آقا دستور نمیداد.

وقتی آقا را می گرفتند

شما چه احساسی داشتید؟

میدانید که آقا از همه سال

پیش ما روزه میگرد. یعنی قبل

از من من که بزرگترین فرزندان

بود. من یادم می آید بعد از آن ۵۰-۵۵ که غفلان خیلی بود. و آن شرایطات ما روزه سلطانی که بچه ها گرفته بودند خیلی ناراحت بود. اغلب نزدیکهای صبح بیدار بودیم و میخواستیم هم آتش بر سر طرف آسمان بود. میگردیم ما خواب هستیم سعی میکردیم را حقیقتی را روحی را طوطی بچه ها بروند و بدهند با عت سانس نبود. اما خیلی ناراحت بودند نطق شب یا یک حالت خیلی ناراحت کننده. مثل اینکه همه اش با خدا را زوینا میگرد. و ما بدهم نمیدانم میخواست یاد من نیست چون مثلشان نبودیم ازدواج کرده بودیم آقا وقتی یک مقدار بیشتر احساس ناراحتی میگردیم. اما سعی میگردیم جلو آنها ناراحتی را بر سر زدیم چون آنها یک حالت خوشحالی پیدا میکنند. آراینگ ما ناراحت هستیم. در تمام دادگاهها ایشان شرکت میگردم. آقا روحیه ای داشت که مانیستوارم آبرو را راحتی کنیم. اگر هر نوع ناراحتی برایشان پیش می آمد، برو میفهمیدند که ما ناراحت شویم.

اولین بار که آقا را گرفتند

کجا بودید؟ یا بدانان هست؟

اولین بار سال ۵۲ بود

چون میدانید که سال ۵۲ وضع

خیلی بد بود. اوضاع و احوال

با غفلان، و بچه ها را شنیدیم

کنج میگردند از هیچ چیز باقی نداشتند. من صبح

شدیم. خیلی ناراحت شدم تا

۴ ماه از ایشان خبر نداختم.

کمتر بود. بعد که اوین رفتند

میرفتم ملاقات یکدنده آنها

یک جله ای به من گفتند که

من را خیلی ناراحت کردید

(اوضاع اطراف مناسب نبود

تصور است درست صحبت کرد)

گفت: «دیروز حال منم خوب بود

و من را منت و مال دادند. من

خیلی ناراحت شدم فکر کردیم

منت و مال یعنی شکنجه هفته ای

بعد که رفتیم جوماناسی بود.

توانستیم یک کمی صحبت کنیم

گفتند واقعا منت و مال داده

بودند من به حال شده بودم

ناراحتی های عمیق که برایم

پیش آمده بود. و اینها از

ترسان من را منت و مال دادند

که عالم جایاید.

اینکه گفتیم اولین بار

منظورم از نظر زمانی بود.

گویا جریان نواب صفوی

بود. بعد از گفتند اینها آرازه

داده اند منزلتان.

هر چه زود مردم از آن خوشحال

میشدند پدر را شهادت میکرد

فکر میگردید بزرگترین بچه

رنگی... خوشحالی آقا چینی بود؟

باید یک کمی فکر کنیم چون

آقا بیشتر زندان بود و بیرون

هم که بودند همه فکر و دکتری

فنا لیت سیاسی و اجتماعی

و دشمنان بود چیزی که خیلی

رژمان داد مال ۵۲-۵۰

در مورد بچه های ناراحت

میشدند. گروهی بی را که

میگرفتند و شکنجه می شدند.

چیزهایی که خیلی خوشحال

میکردند در رابطه با مردم بود.

چیزهایی که مردم از آنها

خوشحال میشدند یا بدرد ۲۲-

بهم خیلی خوشحال شدند، که

فورا دستور دادند بچه های

را دیوبندی بیرون آمدند و اعلام

کردند که انقلاب پیروز شده

است.

پدر میخواست آن عتیب و آن بچه

و انقلاب پیروز شوند

رو نعمت آقا و حالت روحی

در مورد شکست ما و پیروزی ما

۱- بهمین سال ۴۱ که آقا را گرفتند با ۶ ماه زندان و قهر بود در روز اول محرم آقا را از آذربایجان به محرم مسجد هدایت صحت کردند. تمام جریانات زندان را توضیح دادند و غذای زندان را تصریف کردند. که منجر به زندان رفتن دوباره شد. به این شکل شب ۱۱ محرم که آقا ی غمی را گرفتند و پدر دادند آقا راهم حتما میگردند. آقا از منزل رفت بیرون. ۱۰ تا ۲۰ روز زینتی بود. چون پرونده نداشت یک پرونده سراسری درست کردند. مواد مشخصه گذاشتند پشت منزلی در شیراز. بعد گفتند بر سر گذاشته. بعد رفتند از لوازم گرفتند. با وضعی که تمام اهل ده را ناراحت کردند. مگر آن وقت که اغلب مردم بچه ها را میگردند. یا دنان هست؟ بعضیها بچه ها را میگردند. تروریست و... من یک سوال از آقا کردم که خوب آخر چه فایده دارد این همه بیسه هانگفته میشوند و گفته میشوند...؟

بعضی من گفت انقلاب در جا

همه ای که مرده آقا با شنید که

بوجود نمی آید. انقلاب چه های

انقلابی در آن جامعه ای موثر

مستند که خوب آقا که با شنید

چون در یک جامعه آگاه که نه

غفلان بوجد می آید و نه احیاء

به انقلاب دارند که غفلان را

از بین میبرند. بنا بر این

اجتماعی انقلاب لازم دارد که

مردم نا آگاه باشد و مسلماً

۲- وقتی آقا را میگردند

ما کاری نمی توانستیم کنیم.

اینطرف. آنطرف تبعید.

اول خیلی ناراحت بودیم

چون سال ۱۳۱۸ که آقا را

۱- بهمین سال ۴۱ که آقا

قهر بود در روز اول محرم

آقا را از آذربایجان به محرم

هدایت صحت کردند. تمام

جریانات زندان را توضیح

دادند آقا راهم حتما میگردند.

آقا از منزل رفت بیرون. ۱۰

تا ۲۰ روز زینتی بود. چون

پرونده نداشت یک پرونده

سراسری درست کردند. مواد

مشخصه گذاشتند پشت منزلی

در شیراز. بعد گفتند بر سر

گذاشته. بعد رفتند از لوازم

گرفتند. با وضعی که تمام

اهل ده را ناراحت کردند. مگر

آن وقت که اغلب مردم بچه

ها را میگردند. یا دنان هست؟

بعضیها بچه ها را میگردند.

تروریست و... من یک سوال از

آقا کردم که خوب آخر چه

فایده دارد این همه بیسه

هانگفته میشوند و گفته

میشوند...؟

بعضی من گفت انقلاب در جا

همه ای که مرده آقا با شنید

که بوجد نمی آید. انقلاب

چه های انقلابی در آن

جامعه ای موثر مستند که

خوب آقا که با شنید چون در

یک جامعه آگاه که نه غفلان

بوجد می آید و نه احیاء به

انقلاب دارند که غفلان را

از بین میبرند. بنا بر این

اجتماعی انقلاب لازم

دارد که مردم نا آگاه باشد

و مسلماً

۲- وقتی آقا را میگردند

ما کاری نمی توانستیم

کنیم. اینطرف. آنطرف

تبعید. اول خیلی ناراحت

بودیم چون سال ۱۳۱۸ که

آقا را



حاضر مزوره نشستن روی زمین را بیرون از

مردم آگاه میشوند. آنقدر

امیدوار بودم که من با مردم

نمیخند.

من همیشه فکر می نمودم پدر از آندیشه

جوانان استفاده میکرد

۱- گفتید آقا به مال سافه

ساز روزه داشت. خیلی

ها بودند. هم سفشی

بودند. از زمان ما آنها

یکدشته. بعضی در وسطی راه

را که گویا آمدند و رفتند

در زندان. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

گرفتند. آقا را گرفتند

و در هر صورت ما روزه را

کرفتند من خیلی کم بود. چون بودم و ناراحت. اما بعد دیگر چون زندان رفتن ایشان مکرر بود. حضور بودیم بسا این نوع سازمانها که بعدها دیگر شبیهایی که میریختند و خاکی بچه های ما طوری شده بودند که آن دختر سرگمان را یکی از اسرها اول میرفت خانه را میبگفت بعد یکی هم با آقا میرفت.

یکدنده آقا را زایل کنید

کردند چرا که آقا ما در زمان

شبیه ای «انجا» صحت کرده بود

روز دیگر طوری قرار بود بود

مجلسه مدینه منزل و گذاشتند

که بروند. بیکاه در منزل

تحت نظر بود. آقا با سان دم

در هفته بودند ۸ ساعت. ۸

ساعت عیون میفهمند. ماهم که

میخواستیم بریم مستخدم

میشدند. که کسی هستم کسی

هستید؟ ما چون عادت شده بود

برایمان گریه و زاری نمیگردیم

برایمان ما این بود که جلو

دشمن اظهار ناراحتی نکنیم.

بعد آقا را بردند. من رفتم

دادوسی ارتش که ببینم حتما

به زایل بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

گذاشته بودند یا جای دیگر

خاطراتی از پدر طالقانی روایت:

۱- یک مجاهد ۲- شاد و رضایی ۳- محسن رضایی

در این نوشته کوتاه، این ما خاطراتی را که هرگز از یاد ما نماندند، با هم مرور می‌کنیم. خاطراتی که با گذشتن روزها و سالها، یادمان می‌ماند. این خاطرات را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: خاطراتی که مربوط به دوران مبارزه است و خاطراتی که مربوط به دوران سازندگی است. در این نوشته، ما فقط به خاطرات مبارزه می‌پردازیم.

سید "اصلاح" سوس نیست

سازم رسته سوسیم پیش آقا آفرینش را خیلی زیاد شده بود. مردم هاربان با زکرده بودند و زحمت جاسوسی به سید زدند. توطئه نقشه بودیم منتظر آقا بودیم. دلم خیلی گرفته بود. فقط برای جریان سید خدا دعا میکردم. آقا دیرتر سید توطئه را دروغ دانست. سوسیم چشما پیش نگاه کنم، میدانستم چقدر تیرا تحمل می‌کنند. همه فشارهای یک انقلاب را بر سر من گذاشته بودند. آقا آمد: نیاندازش گرفته بود، اخم کرده بود. داستان را با سوسیم گفتم. گفتم: "آقا شما نشا روت کنید". گفتم: سید "اصلاح" سوس نیست. بعد ما سید خدیجه تلخ گفت: "شما ندانم چرا همه اش توی این مملکت جاسوسی روس می‌گیرند". بعد ما یک جلسه شد. آقا آمد: آشنای رنگ دارش که تا عمیق وجود نفوذ کرد، تمام نقاط ضعف جریان سید را جلوی من گذاشت. شما هم که می‌خواستید قبل از غوره شدن موزینید. می‌توانی چشما پیش نگاه کردی. آنها پیش با زحمت جرم را با من انداختم.

در شهر هار و رستاها مردم محروم و ستم دیده هار آگاه سازید

آخرین باری که به پایت الله طالقانی دیدم، او داشتیم هنگامی بود که در تهران ساکن بودند. حضرت قائم (عج) همراه فرزندان سوسیم در تهران ساکن بودند. برای برگزاری مراسم مقدس و بدعت آقا طالقانی به یکی از باغات اطراف کرج رفته بودیم. ایشان با ما صحبت فرمایان و روی باز، من و فرزندان

گفتگویی با "میرزا" بزرگترین فرزند "پدر طالقانی" بقیه از صفحه ۶

کردند با دفع مردم. هر انقلابی که بوجود آید اول باید جذب باشد.

فرزندان فکری پدر

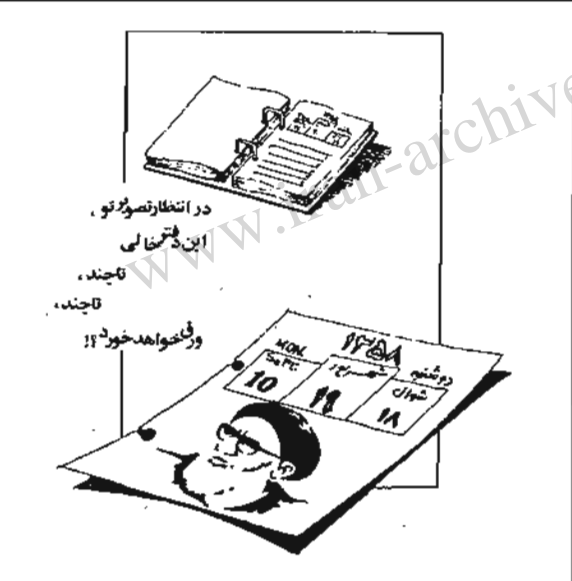
س: اجناس آقا نسبت بسسه فرزندان فکری چه بود؟

ج: همیشه ایشان میگفتند اینها بچه‌های من هستند. البته من فکری کتب بچه‌های که قدم در راه عرفان گذاشتند عزیزتر از ارحام خودم می‌دانم. چون وقتی کسی دنبال فکر بود عقیده‌هاش بود (مفهوم آقا که تعبیر نداشتند، همه میران و فرزندان خودشان میدانستند) نسبت به آنها خیلی محبت داشتند. ولی می‌گفتند اشتباهاتی که ما داریم مثل فرزندان خود ما که اشتباهاتی دارند.

س: مثلاً "در مورد فشارهای که به سوسیم وارد می‌شد، شما چگونه برخورد کردید؟"

ج: سوسیم را از خودم جدا کردم. از برای او یک دفتر ساختم. سوسیم را از برای او یک دفتر ساختم. سوسیم را از برای او یک دفتر ساختم. سوسیم را از برای او یک دفتر ساختم.

مجاهدان را پذیرفتند. بعد از کسی صحبت من به آقا گفتم: آقا شما تا بحال گریه نکرده‌اید. ولی دیرتر گریه کردم. آقا با نا احتیاری پرسیدند چرا گریه می‌کنی؟ من گفتم: من با آنها سرگرمدم، شما سختی‌ها را به جان خریدم، بهترین فرزندان را در راه انقلاب فدا کردم. ما باید نگاه فرزندان را داشته باشیم. نباید فراموش کردیم که ما فرزندان ما را در راه انقلاب فدا کردیم. ما باید نگاه فرزندان را داشته باشیم. نباید فراموش کردیم که ما فرزندان ما را در راه انقلاب فدا کردیم.



تشکر از پیامهای تسلیم

مجاهدین خلق ایران بدینوسیله از همه خواهان برودارانی که با ارسال پیامهای تسلیم خود به مناسبت رحلت پدر طالقانی ایبراهیم مهدی شومند تشکر و سپاسگزاری می‌نمایند، این تشکر بدینوسیله به مردم ایران و بخصوص محرومان ستم زده بوده و همه ما فرزندان او می‌باشیم. به امید آنکه در عمل نیز تسلیم آید و راه او دفاع از اهداف و آرمانهای مردمی و توحیدی باشد. تشکر می‌کنیم.

بهترین فرزندان از پدر است که اجازه دهند استعدادهای که پاره‌ها او می‌روند شکوفا شوند

س: سوال آخر که یک مقدار جنبه شخصی می‌باشد می‌کنند. از این جهت شما چنین پدری داشتید چه احساسی دارید؟

ج: مثل همه ملت ایران احساس غرور می‌کنم و دلم می‌خواهد که بتوانم یک راه را برای ایران و آنچه که پدرم بودیم بپیمایم. ولی فکر نمی‌کنم هیچکس بتواند به آن حد برسد. من سوسیم را از برای من می‌خواستم این پایه را تسلیم می‌کنم. به تمام ملت ایران و فرزندان را از ستم انقلابیان می‌خواستم این پایه را تسلیم می‌کنم. در خدا شکر می‌کنم که من بیشتر بوده‌ام و من مملکت هم کار می‌کنم.

نمی‌آوردند، حتی وقتی ماه پیش آنها می‌رفتیم. او را تنها می‌خواستیم که برای جلوگیری از اعدام فرزندان ما اقدام کند. ما می‌خواستیم که این بچه‌ها را بگذرانیم. ما می‌خواستیم که این بچه‌ها را بگذرانیم. ما می‌خواستیم که این بچه‌ها را بگذرانیم.

حتی اگر لازم شده مخفی شوید آقا خیلی ناراحت شدند و به بچه‌ها رو کرده و گفتند که: حیفاست که شما از زمین بروید، خودتان را حفظ کنید. اینها نه آمریکا برایشان مهم است، و نه از کمونیستها می‌ترسند. فقط شما هراس دارید. و از این رو اینقدر شما را تحت فشار می‌گذارند. شما از فکر کردن از قلنا تا جایی که در تیران دارید استفاده کنید. کتاب بنویسید. و شهرها و روستاها مردم محروم و ستم دیده‌ها را آگاه کنید. حتی اگر لازم شد مخفی شوید و مخفیانه فعالیت کنید. حیفاست که از دست بروید. ما جوانانی آگاه و با ایمان همچون شما کم داریم و اگر شما از زمین بروید کسی نیست جای شما را بگیرد.

بچه‌ها را از تیران بگذرانید. حتی اگر لازم شد مخفی شوید و مخفیانه فعالیت کنید. حیفاست که از دست بروید. ما جوانانی آگاه و با ایمان همچون شما کم داریم و اگر شما از زمین بروید کسی نیست جای شما را بگیرد.

بیاد انقلابی خدا گونه پیامبر تبار که روح انقلاب ما بود

بیمه سوگند که روابط موجود را حتماً و بی هیچ تردیدی دگرگون خواهیم ساخت

علی با قاطعیت و تأکیدی که در سرانجام نهج البلاغه نظر آن یافت نمود، اعلام میکند که تصمیم دارد تمامی پل‌های سازگار با راهبانی خود را - منتهی به بطور اجتماعی و تاریخی خراب و منهدم نماید. و انقلاب را تا ستم های اجتماعی و طبقاتی و تأمین منافع طبقات محروم استمرار بخشد. زیرا بعقیده امام در غیر اینصورت انقلاب ناقص بوده و در نتیجه راه شکست خواهد خورد

سپس ترتیب پیروزی ما بر دیکتاتوری شاه نیز وقتی کامل میشود که مقدمه تحقق آرمانهای توحیدی و آزادی از هر نوع وابستگی امپریالیستی (یعنی خلق بد از سرمایه داری وابسته) و پشتیبانی و مساعدت کثرت با لایحه کوتاه گذشته دست ترجمین و سازکاران از مقررات مردم بردم باشد. در غیر اینصورت این پیروزی میتواند مقدمه ای برای شکست انقلاب و سی اعتباری جمهوری بی باشد که بنام اعلام شاه شده است.

بمجد نخواهد یافت. "وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ الْإِسْبَاطَ" (بشار نامحتمل است که آنچه بازگردد.) زیرا باطل آیت و دم بریده است و این حق است که سرخسده گوید: "و ما یزیدکی و باندگی است: "لَقَدْ آتَيْنَاكَ الْكِتَابَ" "فَقُلْ لِرَبِّكَ" (ما به تو گوئیم) و باندگی عطا کردیم ، پس نماز بگزار و قرآنی کن بی تردید دشمن تو بی دنیا لولنی شدنی است)

بنابراین مطابق جهان بینی توحیدی ما که وجود با مقدم و سنی تبیین میشود. جوهر همه حرکات و تضادهای اجتماعی و وحدت و یگانگی است که ستم حرکت و خلل تضاد ها را شخصی مبارز ، ستمی است که اگر نبود جهان در تاریکی ابدی کشا-

داد برآستی کیست که فکر کند پدر طالقانی که برای خدا و در راه مکتب اسلام و در مسیر راهی جلی تحت ستم متحمل شده بود ، و ... تکرم می کند و در قتل خود جای میدهد. در تمام این تحلیلها بر یک چیز تأکید میگذاشتند و آن آدانه راه پدر طالقانی بود ، این مسیر را در وحدت اصولی تمامی خلق بر محورهای خداستنداد و خداستوار و خداستوار می دیدند. این مسیر را درجهت تحقق ثوراهای انقلابی ، واکذاری کار مردمی مردم ، مسئولیت دادن بآنها می یافتند آنرا فریاد میزدند پیام طالقانی ، شهادت است ثوراهای پیروان را بطرح میدیدند که قدرت اجرایی باید توسط مردم و از طریق ثوراهای اعمال گردد و سرنقش مردم و آینه شان را خودشان بدست گیرند. و شخصیت اجتماعی و انقلابی پیدا کنند. همانطور که در گوناگون انقلاب و قبل از پیروزی عمل میکردند ، و ما من پیروزی بزرگیم شکست توری بودند.

ما دیدیم که پدر طالقانی برآستی زنده بود این ما همت توده ای پدر، این ویژگیهای انقلابی و تقوای مکتبی اش این اندیشه های اصولی و وحدت گرا باشد اش آنجا نشان تأثیر مردمی داشت که پس از وفاتش نیز پیش از هزاران رسیده ، دیگری سه ما همه ثور و هجیان ، وحدت و عشق تشبیه زنده تر از زندگان بسه تبلیغ اسلام و اندیشه های توحیدی و انقلابی آن پرداخت ، بیشتر از هر فرد انقلابی راه وحدت ثوراهای شهادت را تبلیغ کرد و در تمامی نقاط جامعه و جهان گسترده و ندای مستضعفین برآسر

کند و حرکت اجتماعی را بخوبی ایجا نمود. او این مسئولیت اجتماعی را با اعلامها ، مواجعه ها ، سخنرانیها ، خودشان میداد. و در مواردی نیز بزرگه احساس می کرد این اقدامات مشتمل بر ستم است. شما در حرکت اجتماعی شما می بودید و در پیشاپیش آنها حاضر بودید تا حرکت ها را در جهت مسیر انقلاب توجیه کنید و با مسیریهای انحرافی را رد کنید. ما وجودی که عمیقاً اعتقاد داشت که انقلاب بدون فدائو روی قربانی و شهادت شکوفا خواهد شد ، و با وجودی که انسان با عدالت انقلاب نیالسی است که تنها با خون شهدا آساری خواهد گشت و مسرف و مفاومت انقلابی را لازم دارد و لی و زجر و جرم و شکنجه ای ، هر خوبی که بر زمین ریخته می شود هر چیزی را تاراج می کند هر خلقی قهرمان ما نرد می دمدمی او را متناثر می ساخت ، و در بسیاری از موارد خود را سیر چنین درگیر می کرد. لذا راهی می کرد. کیست که نتواند در ستم حمله به میدان انقلاب آنجا که مردم در مسیر خباثان انقلاب ستم محرم در حال نظا هرات بودند تا در میدان انقلاب درسا بر وجهه های صریح نیروهای مسلح مجسمه طاقت و فرمودن زمان و ستم بزرگ را ساقط کنند ، چگونه پدر طالقانی را ساکنان در پیشاپیش خویش یافتند کیست که نفس هدایت کنندگی او را در ستم حمله سر زدن کفر نماند ؟ او در عمل مبارزاتی مردم تا آنجا که ضرورت داشت در پیشاپیش توده ها قرار میگرفت تا هم هدایت کنند ، آنان با بد و سیر بلای آنان کرده ، و هم هنگام اشیداء ، در مسرتان و در راه مکتب و انقلاب و خلق جان خود را نماند.

پدر طالقانی بین از وفات نیز مادی و حید و شور بود توده های انقلابی جامعه ما نیز این ویژگیهای انقلابی و تقوای مکتبی پدر طالقانی را بخوبی درک کرده اند آنان در مراسم تجلیل از او بخوبی این آگاهی خود را به ثبوت رسانند. در مراسم تشییع جنازه ، در مراسم تدفین ، در سخنرانیها و مجالس بزرگ داشت پدر طالقانی تمام قدرت به حمایت پرداختند ، جانب آن بودند در این مراسم و نظا هرات بر کیندهای انقلابی پدر ، اندیشه ها و طرحهای انقلابی او انگشت گذاردند. و با تمام وجودشان یادند که پدر طالقانی را به خاطر اندیشه های مکتبی اش بی نظیر هستی اش با مستضعفین بی نظیر ، جمال مبارزه انقلابی

ما دیدیم که پدر طالقانی برآستی زنده بود این ما همت توده ای پدر، این ویژگیهای انقلابی و تقوای مکتبی اش این اندیشه های اصولی و وحدت گرا باشد اش آنجا نشان تأثیر مردمی داشت که پس از وفاتش نیز پیش از هزاران رسیده ، دیگری سه ما همه ثور و هجیان ، وحدت و عشق تشبیه زنده تر از زندگان بسه تبلیغ اسلام و اندیشه های توحیدی و انقلابی آن پرداخت ، بیشتر از هر فرد انقلابی راه وحدت ثوراهای شهادت را تبلیغ کرد و در تمامی نقاط جامعه و جهان گسترده و ندای مستضعفین برآسر

کند و حرکت اجتماعی را بخوبی ایجا نمود. او این مسئولیت اجتماعی را با اعلامها ، مواجعه ها ، سخنرانیها ، خودشان میداد. و در مواردی نیز بزرگه احساس می کرد این اقدامات مشتمل بر ستم است. شما در حرکت اجتماعی شما می بودید و در پیشاپیش آنها حاضر بودید تا حرکت ها را در جهت مسیر انقلاب توجیه کنید و با مسیریهای انحرافی را رد کنید. ما وجودی که عمیقاً اعتقاد داشت که انقلاب بدون فدائو روی قربانی و شهادت شکوفا خواهد شد ، و با وجودی که انسان با عدالت انقلاب نیالسی است که تنها با خون شهدا آساری خواهد گشت و مسرف و مفاومت انقلابی را لازم دارد و لی و زجر و جرم و شکنجه ای ، هر خوبی که بر زمین ریخته می شود هر چیزی را تاراج می کند هر خلقی قهرمان ما نرد می دمدمی او را متناثر می ساخت ، و در بسیاری از موارد خود را سیر چنین درگیر می کرد. لذا راهی می کرد. کیست که نتواند در ستم حمله به میدان انقلاب آنجا که مردم در مسیر خباثان انقلاب ستم محرم در حال نظا هرات بودند تا در میدان انقلاب درسا بر وجهه های صریح نیروهای مسلح مجسمه طاقت و فرمودن زمان و ستم بزرگ را ساقط کنند ، چگونه پدر طالقانی را ساکنان در پیشاپیش خویش یافتند کیست که نفس هدایت کنندگی او را در ستم حمله سر زدن کفر نماند ؟ او در عمل مبارزاتی مردم تا آنجا که ضرورت داشت در پیشاپیش توده ها قرار میگرفت تا هم هدایت کنند ، آنان با بد و سیر بلای آنان کرده ، و هم هنگام اشیداء ، در مسرتان و در راه مکتب و انقلاب و خلق جان خود را نماند.



دوست فرزندان

پدر طالقانی بین از وفات نیز مادی و حید و شور بود توده های انقلابی جامعه ما نیز این ویژگیهای انقلابی و تقوای مکتبی پدر طالقانی را بخوبی درک کرده اند آنان در مراسم تجلیل از او بخوبی این آگاهی خود را به ثبوت رسانند. در مراسم تشییع جنازه ، در مراسم تدفین ، در سخنرانیها و مجالس بزرگ داشت پدر طالقانی تمام قدرت به حمایت پرداختند ، جانب آن بودند در این مراسم و نظا هرات بر کیندهای انقلابی پدر ، اندیشه ها و طرحهای انقلابی او انگشت گذاردند. و با تمام وجودشان یادند که پدر طالقانی را به خاطر اندیشه های مکتبی اش بی نظیر هستی اش با مستضعفین بی نظیر ، جمال مبارزه انقلابی

پدر طالقانی بین از وفات نیز مادی و حید و شور بود توده های انقلابی جامعه ما نیز این ویژگیهای انقلابی و تقوای مکتبی پدر طالقانی را بخوبی درک کرده اند آنان در مراسم تجلیل از او بخوبی این آگاهی خود را به ثبوت رسانند. در مراسم تشییع جنازه ، در مراسم تدفین ، در سخنرانیها و مجالس بزرگ داشت پدر طالقانی تمام قدرت به حمایت پرداختند ، جانب آن بودند در این مراسم و نظا هرات بر کیندهای انقلابی پدر ، اندیشه ها و طرحهای انقلابی او انگشت گذاردند. و با تمام وجودشان یادند که پدر طالقانی را به خاطر اندیشه های مکتبی اش بی نظیر هستی اش با مستضعفین بی نظیر ، جمال مبارزه انقلابی

کتن افشاد فرو میرفت هستی از سر مقدم و منائی نمی میشد .

مصادیق عینی حق و باطل در سخنان علی نکته مهم و شایان ذکر در اینجا این است که مستقیم حق و باطل در سخنان علی دقیقاً در رابطه با مفاهیم مشخصی یعنی با کفر و فتنه است. نشان دادن مصادیق عینی و اجتماعی آن از کلی گویی احتراز شده است. حق یعنی همان ارزشهای مکتبی و انقلابی که مستقیم رهایی طبقات محروم جامعه است ، و باطل به آن گرایشها و تمایلات سودجوانه و ضد تکاملی اطلاق شده که با هدفهای انقلاب در آن مرحله در تضاد است. مثلاً ، منبع ایجاد یک تحول بنیادی شده و از وجود و انتشار طبقات محروم احتیاج دفاع میکند .

باطل همان نیرویی است که میسر خواهد بود از فراموش زیندارتاریستی. اما بهیچ وجه انقلاب از محتوای اولیه آن شیی نبود. سران اموی هم در راس این " باطل " قرار دارند .

سپس این جنگ بین حق و باطل که علی از آن یاد میکند اصلاً بر سر این نیست که مثلاً خدا هست یا خدا نیست اتفاقاً هر دو برگزیده خداست و کسی هم هست ! (و محمد هم رسول الله است)

اما " حقانیت " و " باطل " در " هر یک از طرفین با ملک " عمل" آنها مورد سنجش قرار میگیرد. جریان حق ، عوالمان سوارات و امعا " برکتش است و جناح باطل مدافع اختلاف طبقاتی و احیای امتیازات است .

اتفاقاً تمام جنبه های که علی در طول زماندارای خود داشته ، جنبه های اخلاقی و باکسانی بوده که مدعی اسلام و خدا برستی نیز بوده اند. حتی بعضی مثل خوارج از فرط عبادت (البته بسه مفهوم فرمالیستی و بی محتوای آن) بر بیعتی شان پهنه بسته بودند .

جا دارد که این شیوه برخورد علی را با طرز تلقی بشریون خودمان مقایسه کنیم تا ببینیم چه فاصله کلی تطبیقی است بین اسلام راستین و انقلابی با تفکرات شرک الود و بی محتوای طبقاتی (تشیع مفوی) بیستم میخورد. بر بنیای عقاید صوری از این فرمالیست ها و با معیار مذهب صوری و بی محتوای ایمان ، سرمایه داران غارتگر و با دای زرم سابق و عوامل سواک تشیبه اظهار سلطانی کرد و مواجعه پیرویی اسلامی میسکتی شان دندون به عنوان انسانهای پاک و خادم ، به کار و خدمت فرمایند می نمودند ولی نیروهای انقلابی سلسله بجم عدم اظهار سلطانی و متعادل نداشتن به خدا ، بزرگترین خطری دشمن اسلام و ملت عربی شده و با ستمی مرکب کردند برآستی آنها اسلام اصل و راه انقلابی علی و سایر پیروانان بودند تاریخ ما می تواند سزید این مواضع باشند و آها جنبه های بنیان کن ملی و تحرانی مذهبی و تیره مذهبی " که مکتبی بوسله عوالم مشخصی در سبب ما بدان دان میزند می شود. حق و باطل " آینه ای که واقعیتی مبارزه " حق و باطل " آینه ای که امام علی ترسیم کرده است تلغی کرد ؟ این نوع مرز بندی میان نیروها در این شرایط چه نوعی است و آملاز ؟

کجا پیدا شده است ؟ آما جز این است که این همان شیوه دیرین امپریالیست ها است سیاست های غرقه افکنده آنان در جهت ایجاد شکاف میان نیروهای سیاسی ساز و تضعیف جنبه های رهایی بخش مردم امپریالیستی بوده است ؟

پس ترتیب روشن خواهد شد که چه کسانی در سرک تامل و ضعف بخشنند به آرمانهای توحیدی و انقلابی که در پیروزی از خط شی و راه ملی تجسم می- یابد . کام برداشت و رونق مسلمان یونکا برست هستند و چه کسانی با رحمت و انحراف از راه علی به او و به هدف های خدائی و خلقی اش پشت میکنند هر چند هم که تحت پوشش اسلام و زیر پرده " دین " حرکت کنند .

برای آزاده مرد بزرگ: آیه الله طالقانی

از تمام معجزه ها با نوست

آی بزرگوار اندوه درگاه تو؟ زینبار!

اندوه تو اندوه دیگری خلق است حال آنکه دوست حال آنکه دشمن - حتی - میدانند تو آیت تجلی حق و حقیقتی تو برده داد رکنی و دلپای مکتبی .

ای دشمنای سینه یار تو سوار ای بزرگوار ای سالار ای پسر ای مراد آنان که بر گره زلال دلت را با سنگی تفرقه افشند رو شان سیاه باد .

در چشم های روشن معمومت رازی نهفته است خدائی ای تو بشیر روزها شو ، از دای" در گفته های توست که " زادی" معنای آسمانی خود دارد در کرده ها پیوست که " استقلال" رنگ و جلای واقعی می باشد .

ای سطر تجلی ای الله در تود می در و خطب ای الله با همت تو این همه ست ارتکستایم ما توهارا مرتبه جان دادیم . وقتی عشق تمامی ما را میسکت جام شراب سرخ خداقت را از دستهای مهربان تو شوشیدیم دریا دلا دردتو ، دردم مشترک است .

ای آنکه از شقا و تفت نا سردان بر بیگانه تو رخ فراتوان است اما تو ای نجیب ! هرگز به شکوه لنگشودی دریا به وسعت دل تو شریک مسرد و کوه سده میکند به بزرگی و روح تو ای نام تو و کلام معجزه و اارت هر قل پی بسته هر گز را با میسکتد ، عشق کار بزرگ رسالت را آما میسکتد

غلام محسن سالسی اردیبهشت ۵۸

پای صحبت " مادر طالقانی "

بمیشود میگفت باشد ، آنقدر باید ایضا - مردم - زیر و رو شوند تا آماه شوند .

مجلس خبرگان: مردم به من رای دادند من مسئولیت دارم .

روزهای آخر ما سالانه من میباید بودم . وقتی میخواستم مردم گفتن من هم میباید ایلم بیایم مشهد . خیلی خسته شده ام ، ولی این چند ماهه گرفتار مانده ام ، زیرا دست گفتم خوب بیایم بروم . گفت مجلس خبرگان را چکار کنم ؟ من میبایم بیایم . همه ما موافق نبودند . اما او میگفت ۲ میلیون رای من شده اند . من مسئولیت دارم همان روز آخر همه های گفتند میباید چون نرفته بود مجلس خبرگان همه را حمله خودش را رساند که ساعت ۵ آنجا باشد .

کردستان: برادر گشتی فایده ای ندارد راجع به این قضیه کردستان خیلی ناراحت بود . می گفت کردستان را فایده ندارد . گفت آقای پیغمبر ما کرده بودید فخر بر نورد کردستان با چند تنه ای که گویند بیعتی شده بود شما را بعد فخر را آنجا بخوانند تا بلکه سو- تفا هم ما سر طرف

تأجیب پیش بینی میکرد ؟ همه آما هم همینطور بگویند که ممکن است خطری برایش داشته باشد . حتی اگر خارج هم پیش تلشن کردند که شما این راهبانی را مقین کنید . بگی در دفرا راج (آمریکا) تلشن کردند گفتند ما با آمریکا خبر رسیده که ممکن است یک میلیون نفر کشته شوند ، شما اگر میخواهید کار کنید میگفتند این راهبانی ملغی بشود . اما گفتند که چون این راهبانی را من خودم ترتیب داده ام ، هر چه میخواهد بشود ما خودمان میبریم راهبانی را .

مردم باید اقتدر مبارزه کنند تا با کسب آمادگی دیگر شکست نخورند .

دو ساله ای ۵۰ همروست مسئله ای پیش می آید ، نظیر ما طایفی خیلی ناراحت میزند چون که چون با کشته میشوند ، نظیر مبارزه همیشه می گفت: باید آما دگی مردم مبارزه کنند تا همه آمادگی پیدا کنند ، و دیگر شکست نخورند ، و رواناندوری پسای خودتان با بستند . حتی این امر را هم همین صحبت بود بیچه می آیدند میگفتند کودتا

بمیشود میگفت باشد ، آنقدر باید ایضا - مردم - زیر و رو شوند تا آماه شوند .

مجلس خبرگان: مردم به من رای دادند من مسئولیت دارم .

روزهای آخر ما سالانه من میباید بودم . وقتی میخواستم مردم گفتن من هم میباید ایلم بیایم مشهد . خیلی خسته شده ام ، ولی این چند ماهه گرفتار مانده ام ، زیرا دست گفتم خوب بیایم بروم . گفت مجلس خبرگان را چکار کنم ؟ من میبایم بیایم . همه ما موافق نبودند . اما او میگفت ۲ میلیون رای من شده اند . من مسئولیت دارم همان روز آخر همه های گفتند میباید چون نرفته بود مجلس خبرگان همه را حمله خودش را رساند که ساعت ۵ آنجا باشد .

کردستان: برادر گشتی فایده ای ندارد راجع به این قضیه کردستان خیلی ناراحت بود . می گفت کردستان را فایده ندارد . گفت آقای پیغمبر ما کرده بودید فخر بر نورد کردستان با چند تنه ای که گویند بیعتی شده بود شما را بعد فخر را آنجا بخوانند تا بلکه سو- تفا هم ما سر طرف

گمشده

نقاشی رنگی چه چه مهدی رضائی که بحثا ستم ۱۳ شهر بورطراهی شده بود ، مناسفاً همه در جوانی بها رستان گوشت ، از یا بنده تقاضا میشود اثرشانه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران تحویل دهد .

تأجیب پیش بینی میکرد ؟ همه آما هم همینطور بگویند که ممکن است خطری برایش داشته باشد . حتی اگر خارج هم پیش تلشن کردند که شما این راهبانی را مقین کنید . بگی در دفرا راج (آمریکا) تلشن کردند گفتند ما با آمریکا خبر رسیده که ممکن است یک میلیون نفر کشته شوند ، شما اگر میخواهید کار کنید میگفتند این راهبانی ملغی بشود . اما گفتند که چون این راهبانی را من خودم ترتیب داده ام ، هر چه میخواهد بشود ما خودمان میبریم راهبانی را .

مردم باید اقتدر مبارزه کنند تا با کسب آمادگی دیگر شکست نخورند .

دو ساله ای ۵۰ همروست مسئله ای پیش می آید ، نظیر ما طایفی خیلی ناراحت میزند چون که چون با کشته میشوند ، نظیر مبارزه همیشه می گفت: باید آما دگی مردم مبارزه کنند تا همه آمادگی پیدا کنند ، و دیگر شکست نخورند ، و رواناندوری پسای خودتان با بستند . حتی این امر را هم همین صحبت بود بیچه می آیدند میگفتند کودتا

تأجیب پیش بینی میکرد ؟ همه آما هم همینطور بگویند که ممکن است خطری برایش داشته باشد . حتی اگر خارج هم پیش تلشن کردند که شما این راهبانی را مقین کنید . بگی در دفرا راج (آمریکا) تلشن کردند گفتند ما با آمریکا خبر رسیده که ممکن است یک میلیون نفر کشته شوند ، شما اگر میخواهید کار کنید میگفتند این راهبانی ملغی بشود . اما گفتند که چون این راهبانی را من خودم ترتیب داده ام ، هر چه میخواهد بشود ما خودمان میبریم راهبانی را .

مردم باید اقتدر مبارزه کنند تا با کسب آمادگی دیگر شکست نخورند .

دو ساله ای ۵۰ همروست مسئله ای پیش می آید ، نظیر ما طایفی خیلی ناراحت میزند چون که چون با کشته میشوند ، نظیر مبارزه همیشه می گفت: باید آما دگی مردم مبارزه کنند تا همه آمادگی پیدا کنند ، و دیگر شکست نخورند ، و رواناندوری پسای خودتان با بستند . حتی این امر را هم همین صحبت بود بیچه می آیدند میگفتند کودتا

بدره آریختن و بزبور و زدن شیخ و توانفرا (جله با چندین تأکید بیان شده است) این همان ساززه سرخشانه سی- آغار نماید . ساززه و انقلاب عظیمی که طی آن ، فرزند و باجرانی در معرض تضاد هائی قرار خواهد گرفت ، واکزیراز تعیین موضع و انتخاب است . انتخاب س راه اصولی و خط مشی انقلابی که علی نشانه و راهگشده آن است ، برآمده های انجرفالی و سازشنگاران و برپیشی آن انقلاب را از هدفهای عکس و مردی که دور ساخته ، و مستر خواسته ، اعراض طبقات استوارگرو میرنده سوق خواهد داد .

ایدئولوژی توحید را از محتوای خود خالی سازند و روابط بهره کشته و تجاری گذشته را تجدید نمایند . امام با تأکید میگوید بایستی تمام این مدعیان دروغین اسلام و انقلاب ، از مواضع بالایی که اشغال نموده اند بزیر کشیده بشوند و دستشان از سر نوشت ملت کوتاه گردند و طبقات محروم ، زنان و مردان پشیمان و فداکاری که پایش نگه داشته اند ، در جای ایشان قرار گیرند . او بزرها ، سارها ، . . . و سایر انقلابیون اصلی که در حکومت عثمان جای برای آنها نبود ، خواهند آمد (امام) . و گوییم سارها ، گانها ، قشورا و گیسفین ساقون گانها ، سقاگانی که در این روابط تحت فشار و در موضع ضعف بودند به پیش خواهند

و تعدیل هم در این مواضع امکان ندارد . تأکید فوق را را بر هرگونه توجیه و تفسیر می بندد . و بای برای سواستفاده از تحریف و بافی نگذارد . در همین حال نشان دهنده صراحت علی در سفری گفتن و برپهر از شیوه برخورد دوبسولواگونی است .

پیش بینی کیفیت جدید جامعه توسط امام این قابلیت و صراحت علی ، از این حدت نشانده پراو به قوانین لاتینتر حاکم بر جامعه و دست و مقصد حرکت آن سرچشمه میگرد . علی بر اساس همین درک توحیدی و قانونمند دیدن رویدادها و تحولات اجتماعی بود که توانست چندین اندازتی جامع را ، چنانکه گفتیم ، پیش خود آنرزی بسند ، و پیشین و تومیسر نماید . و با قاطعیت تمام از آینده خبر دهد . علی وضعیت کنونی جامعه را با نام فضاها و انحرافات آن ، نتیجه همان انحراف نخستین می دانست که پس از طی مراحل کئی رشد خود ، ایک بیک نقطه تحول کبھی رسیده و ایک قبل باقی پیشینتی بوده است . اینست که فرارسیدن چنین مرحله ای در مسیر توده جامعه از قبل باخبر بوده است . " و لقد کُنْتُمْ سِبْطًا لِقَوْمٍ هُمْ أَكْثَرُ مِنْكُمْ " (من به چنین روزی و چنین مرحله ای از وضعیت جامعه ، خبر داده شده بودم) .

سعداتی در نامه اش با شما سخن می گوید چه کسی می تواند از جهاد یک مجاهد جلوگیری کند؟

در بار آزادی زنی کردم که به اسارت در آم

قسمتهایی از نامه سعداتی را که به یکی از سرداران نوشته شد ، ز قریب می خواند . هر چند که نامه ظاهرآ به اسم سرداری نگاشته شده ولی در واقع خطاب نامه به تمام برادران و خواهرانی است که این سگرا نیبها و انواع واقسام از قبیل برششهای شقایق ، ماهی - ماهی و ساردن سر خود را نشان میدهند . امیدواریم در چشم - هائی از نامه سعداتی " تا اندازه ای بتواند بایستی برای نگرانی های شما باشد . بایستی به ثبات قدم سعداتی در راه برپرخا طراش و شکر از همه سیاهی سیدریخ خلقی که نسبت به فرزندان راستینش اساسی سدولیت میکند .

بنام خدا

.... خان سلام !

امیدوارم که حالت بسیار برپسار خوب باشد . من هم فعلاً خوبم ولی لا تکلیف میدانی که بلا - تکلفی خود میخواند نویی در دشتاخته شود . هیچوقت کرمی - کرم که روزی خواهد رسید که از داخل زندان برایت نامه بسویم . حداقل کفرسی کردم که به این زودی این وضع را ببیم . سالاره کام اول انتقال را برداشته بودیم و در سهار آزادی فکر نمی کردم که به اسارت ، می آیم . ولی خوب سالاره کسام گذاشتن در این راه ، یعنی نزد کسی کردی محمی واقعی کلمه ، چیزی حرای نیست ؛ با در زندان یا در بیرون با سبویی از مشکلات و نهارها . من کاملاً حسس میکنم که تا چه اندازه برادران تحت فشار قرار دارند . می دانم که درجه مرحله حساسی قرار گرفته ایم . موفق بیرون آمدن از این مرحله واقشاکردن توطئه گرانیت که این جو و این محیط را ، ما میزنند گاریت بسیار ظریف و مشکل من عمیقاً زاینکه در زندان فارغ از تمامی سار این فشارها و مسائل تنها هستم . متأسف البته میخوانم گفت که من جدا هستم تا اندازه ای احساس می کنم ، ولی سویدرین قضایا و تحمل فلان و بطور ملموس

قاطعیت توحیدی علی (ع) در تصفیه فرست طلبان ، صوچینان و صورات - خواران و دیگرگون ساختن و طبقاتی موجود ، موضع گیری شدید ارتجاع را که برابر او باعث گشت ، ایشان که محضاً در گذشته در صف مجاهدین و در کنار پیامبر ششمره زده بودند حالا " سیم " خوش راز انقلاب طلب میگردند و از امام میخواستند که در مواضعائی " تخفیف " بدهد و کوتاه بیاید !

این قدرت تجلی و انشراق در پیش بینی رویدادها ، نه یک سبزه و غیب گویی ، نه به سناری رمل و اسطرلاب است ، بلکه ناشی از یک بینش عمیق و گزین واقع گرایانه و عینی است که بر طبق آن پدیده های تاریخی در حال تغییر و تحول داخلی و بیرونی (و بصورت یک " جریان " مورد بررسی قرار میگردد . جریان می باشد از طی مراحل کئی آن نقطه جش و فاز کبھی جدید آن منتهی ظهور میرسد . این قاع نام حاکم سر تغییرات پدیده های مادی است . در اینجا امام انحراف رهبری را به صورت یک جریان مورد بررسی قرار داده که آینده آن را بر اساس قانونمندی فوق پیش بینی میکند . در جمله بعدی در بیان شیوه - خورد ، یعنی در جریان ذین اسور و پدیده ها ، ضمن یک تمثیل زیبا اشاره شده است . امام در این جمله انفراده نیروهائی را که از تقوای انقلابی برخوردار هستند ، به سواران بر مرکب راهی تشبیه می نماید که زمان آن را به دست گرفته و در مسیر حق تا عالیترین نقطه کمال (جنت) پیش میروند . همچنین انحرافات و جریانی را که در راه عطا دارد ، به آب سرگرو لجام کعبته های تشبیه کرده است که سواران را ، در جریان حرکت می بقصد و انحراف خود ، بر تپا به جنبش و بقیرا برده و سرانجام به وادی عیش سقوط خواهد داد .

قسمتهایی از نامه سعداتی را که به یکی از سرداران نوشته شد ، ز قریب می خواند . هر چند که نامه ظاهرآ به اسم سرداری نگاشته شده ولی در واقع خطاب نامه به تمام برادران و خواهرانی است که این سگرا نیبها و انواع واقسام از قبیل برششهای شقایق ، ماهی - ماهی و ساردن سر خود را نشان میدهند . امیدواریم در چشم - هائی از نامه سعداتی " تا اندازه ای بتواند بایستی برای نگرانی های شما باشد . بایستی به ثبات قدم سعداتی در راه برپرخا طراش و شکر از همه سیاهی سیدریخ خلقی که نسبت به فرزندان راستینش اساسی سدولیت میکند .

بنام خدا

.... خان سلام !

امیدوارم که حالت بسیار برپسار خوب باشد . من هم فعلاً خوبم ولی لا تکلیف میدانی که بلا - تکلفی خود میخواند نویی در دشتاخته شود . هیچوقت کرمی - کرم که روزی خواهد رسید که از داخل زندان برایت نامه بسویم . حداقل کفرسی کردم که به این زودی این وضع را ببیم . سالاره کام اول انتقال را برداشته بودیم و در سهار آزادی فکر نمی کردم که به اسارت ، می آیم . ولی خوب سالاره کسام گذاشتن در این راه ، یعنی نزد کسی کردی محمی واقعی کلمه ، چیزی حرای نیست ؛ با در زندان یا در بیرون با سبویی از مشکلات و نهارها . من کاملاً حسس میکنم که تا چه اندازه برادران تحت فشار قرار دارند . می دانم که درجه مرحله حساسی قرار گرفته ایم . موفق بیرون آمدن از این مرحله واقشاکردن توطئه گرانیت که این جو و این محیط را ، ما میزنند گاریت بسیار ظریف و مشکل من عمیقاً زاینکه در زندان فارغ از تمامی سار این فشارها و مسائل تنها هستم . متأسف البته میخوانم گفت که من جدا هستم تا اندازه ای احساس می کنم ، ولی سویدرین قضایا و تحمل فلان و بطور ملموس

این دگرگونی در ستارگان زمان - لحظه ای آمارزده که ملی با قاطعیت مواضع سیاسی خود را سنی بر زبانی گرفتار زمینها و پدیده های پیشین و لغو استیارات مقرر در نظام گذشته اعلام نمود . فرزانها امام از مواضع خویش را نسبت به وضعیت موجود بیان کرد و کمترین سارش و تخفیف در مورد آنها را رد کرد . امام در جریان این انقلاب جدید و ساززه دگرگون ساز توانست ماهیت فرصت طلبی آن را که تاکنون در زیر پوشش اسلام می خواستند و روابط گنبدگشته را احل کند ، افشا نماید و نقاب از چهره آنها بردارد . همانهایی که گفتارشان " اساساً از مناسبات طبقاتی استوارگرو بود و نتوانستند بودند که با پاهد های ارزشهای ایدئولوژی جدید وفق دهند . بتدریح صفوف حق و باطل که تا قبل از این صومغگیری سوسیمه با بی باسی هم مخلوط گشته و بر میان آن سیم بود ، در طول این حرکت و دگرگونی ها آشکار گردید ، و از یکدیگر جدا شد و خط فاصل روشنی بین خواستها و تمایلات این افراد و عناصر صدیق و مؤمن با انقلاب بوجود آمد .

" و کثرین من غیرته ... و اعلاک من اسفلم " بطور کلی انقلابات از مابشهایی است که در جریان فراز و نشیب های یک انقلاب پیش می آید . کم اثر مبین و از نشانه لازمه رشد و تکامل انقلاب است . در سیمه همین انقلابات است که افراد با صداقت از عناصر نامادق با بقول قرآن " طیب " از " خبیث " تمیز داده می - شوند . همچنین خط فاصل کبھی میان اسلام راستین و غیرت بی محتوای رتعی ترمیم و درجه خلوص و استحکام درونی هر فرد و با جریان در عبور از پیچ و خم همین سختی ها روشن و شخصی می گردد . باین ترتیب یک تصفیه اساسی و " غربال " صورت میگردد و کثرت من غیرته از فراصل خواهد شد چه غربال و تصفیه ای [] . البته واضح است که این " غربال " عبور از صافی ، تنها با عبور از گورگه از این پختنبرد سخت و طولانی امکان پذیر است . که در مجموع افتخای ماهیت هر فرد و باجرانیا باعث میشود .

افتاد و سردیداران ارتجاع و انحراف که با حق در برابر قرار گرفته اند سانسط خواهند گردید .

بنابر این یک انقلاب اصلی از دیدگاه علی ، نخست دگرگونی نیادی و بزبور و کردن کل مناسبات جامعه است (در نقطه مقابل اسلام طلبی و فریسم) بطوریکه توده ها و طبقات محروم و تور - سری خورده ها که پایش نگه داشته اند ، اند ، بالا میآیند و افراد و طبقات - تار - نجاری می میرند ، مشمول تصفیه شوند ، راه ملی پاسخ گوینده های است با رسته اصلاح طلبانی که میگویند در کنار تمییزات و امتیازات موجود برای مردم چاره نباشی کرده و با طبقات ممتازان کشته ، علی با صراحت میگوید که بخوار و ازگون نمودن اقلیت های مزه هیچگونه تصفیری مؤثر نخواهد بود . او به واقع فریسم و شیوه های اصلاح طلبانه را محکوم میسازد .

معیار اصالت رهبری

در این دیدگاه معیار مشروعیت انقلابی و اسلامی رهبری ، همانا صلاحیت و میزان کارائی آن در پیشبرد اهداف سیاسی مردمی است . انقلاب است ، اصالت و میزان صلاحیت یک رهبریک یا عملکردهای انقلابی آن ، در طول حرکت میسازد . سیدیه میشود . مثلاً تاکنون هفتده ماهی در جهت هدفهای مکتب و آرمان مستضعفین و طبقات تعدیده برداشته است و در شرایط شخصی هر مرحله تا کما در امر مبارزه با دشمن اصلی این مرحله پیشتاز شده است . بخصوص در شرایط سخت چگونه امتان خود را پس داده است (البته رهبری به حساسی استراتژیک آن مورد نظر است ، بر اساس این معیار است که ملی بدنیال اسلام تسمیم خود شیخ بر تحول بنیادی جامعه قدم اول را در حد سیاسی) سئو - لیت دادن به مردم و به افراد ساری و واقفا " پیشتاز تلقی میکند ، در همین جنبه می مناسبت نیست که اشاره به تفسیر بسیار فنی که علم کبیر قرآن " پسر طالقانی " از سوره نازعات کرده اند ، بنمایشم .

ملاحظه میشود که خط مشی ها صحیح اصولی و اعمال غیر اصولی و انحرافی مواضع برحق و با باطل و انحرافی هشی طی یک پروسه (جریان) با را به تکامل و با به انحطاط سوق میدهند ، پروسه و جریانی که مستقل از خواست و تمایل فرد است ، او قوسین مشخصی پیروی می نماید و در چه بخواید و چه نخواهد ، همین که یکدینستند چه پسران را خواهد دیدند .

در این مورد فرسوش عموته انگیز انقلابات و جنبشهای ملی که در مسیر حرکت خود پس از مالمایا میزده دچار انحراف شده و طی یک جریان از خواست و سرسپردگی به امریالسم سردرآوردند ، بسیار قابل توجه است . نمونه بارز این

ملاحظه میشود که خط مشی ها صحیح اصولی و اعمال غیر اصولی و انحرافی مواضع برحق و با باطل و انحرافی هشی طی یک پروسه (جریان) با را به تکامل و با به انحطاط سوق میدهند ، پروسه و جریانی که مستقل از خواست و تمایل فرد است ، او قوسین مشخصی پیروی می نماید و در چه بخواید و چه نخواهد ، همین که یکدینستند چه پسران را خواهد دیدند .

در این مورد فرسوش عموته انگیز انقلابات و جنبشهای ملی که در مسیر حرکت خود پس از مالمایا میزده دچار انحراف شده و طی یک جریان از خواست و سرسپردگی به امریالسم سردرآوردند ، بسیار قابل توجه است . نمونه بارز این

سؤال : آیا انقلاب ما این پروسه را طی کرده است یا نه ؟ در این مورد مثالهایی را از سایر انقلاب جهان بر - رس می نماند .

بدینگونه است که نظام موجود که در نظر سطحی و اولیه ساکن و یکدست بنظر میرسد ، در اثر این مبارزه و رهبری کارآ و انقلابی آن ، از اساس توجیه و دگرگون خواهد شد . مثل کفگیر که غذا را دردیگ زبیر و رو میکند .

" لثا کثرت مؤلفه " آگاه توده های مردم و افراد ذیصلاح نباشند . ای که در نظام قبلی سائق طرد شده و باین نگه داشته ماند ، ارتقا داده می شوند و خود سر نوشت خویش را بدست میگیرند . برعکس اینها که استعمار خوبی پس ندادند و از درون درگیرها و آماجانات ، موفق بیرون نیامدند ، دستشان کوتاه میگردد . همان اقلیت ممتاز و حاشیه نشینانی که بناحق و صرفاً بخاطر تحکیم مومنیات و منافع استعمار - گران خود به شیوه های فرصت طلبانه سفت گرفته ، و بدون هیچگونه صلاحیت انقلابی و اسلامی بالاترین موقعیتها و رهبری و اداره " جامعه را اشغال کرده اند آنها کئی که سیداری و اسلام از وسیله ای برای دنیاهای توده و از طریق نفوذ در ارگان نظام جدید میخواهند انقلاب را

نفرش ها رهبری و زمبایی مانند مسر هستند که در اثر عدول از شیوه اصولی و عادلانه توجیه افتداری ، عدم آگاه ، چرا که مردم در امریالسم تودعنا خستین گناهی است انحرافی را بسمت سر مایه اندازی داشته و سبب طی یکجریان بطور جبری و کزینا پذیرد به آتش سر مایه اندازی وابسته و دامی امیر - بالیم سقوط کردند .

برعکس جریان اصولی و حرکات صحیح و مبتنی بر تقوا ، یک حرکت کارگاهانه و رهائی بخشی است که در معنی آن سخن آزاد شدن از تاثیرات جبری و گسستن تودعنا و وابستگی هاست (معیار تکامل و برتری) در باره تقوی به شماره گذشته رجوع کنید .

تضاد میان از جوه حق و باطل و جهت حل آن در آخرین فراز این قسمت از خطبه علی (ع) به چشم انداز بلند مدتی این خطه نیانگ ساززه " و الله تآکثرت سواجیان " (بخدا سوگند که از سواجیان هیچ حقیقتی ، فرگردار نکردم و هیچ واقفیتی را نپوشاندم) یعنی که مردم و پیام همین است و پس ، هیچگونه تخفیف

ملاحظه میشود که خط مشی ها صحیح اصولی و اعمال غیر اصولی و انحرافی مواضع برحق و با باطل و انحرافی هشی طی یک پروسه (جریان) با را به تکامل و با به انحطاط سوق میدهند ، پروسه و جریانی که مستقل از خواست و تمایل فرد است ، او قوسین مشخصی پیروی می نماید و در چه بخواید و چه نخواهد ، همین که یکدینستند چه پسران را خواهد دیدند .

در این مورد فرسوش عموته انگیز انقلابات و جنبشهای ملی که در مسیر حرکت خود پس از مالمایا میزده دچار انحراف شده و طی یک جریان از خواست و سرسپردگی به امریالسم سردرآوردند ، بسیار قابل توجه است . نمونه بارز این

سؤال : آیا انقلاب ما این پروسه را طی کرده است یا نه ؟ در این مورد مثالهایی را از سایر انقلاب جهان بر - رس می نماند .

بدینگونه است که نظام موجود که در نظر سطحی و اولیه ساکن و یکدست بنظر میرسد ، در اثر این مبارزه و رهبری کارآ و انقلابی آن ، از اساس توجیه و دگرگون خواهد شد . مثل کفگیر که غذا را دردیگ زبیر و رو میکند .

" لثا کثرت مؤلفه " آگاه توده های مردم و افراد ذیصلاح نباشند . ای که در نظام قبلی سائق طرد شده و باین نگه داشته ماند ، ارتقا داده می شوند و خود سر نوشت خویش را بدست میگیرند . برعکس اینها که استعمار خوبی پس ندادند و از درون درگیرها و آماجانات ، موفق بیرون نیامدند ، دستشان کوتاه میگردد . همان اقلیت ممتاز و حاشیه نشینانی که بناحق و صرفاً بخاطر تحکیم مومنیات و منافع استعمار - گران خود به شیوه های فرصت طلبانه سفت گرفته ، و بدون هیچگونه صلاحیت انقلابی و اسلامی بالاترین موقعیتها و رهبری و اداره " جامعه را اشغال کرده اند آنها کئی که سیداری و اسلام از وسیله ای برای دنیاهای توده و از طریق نفوذ در ارگان نظام جدید میخواهند انقلاب را

امام علی: بخدا سوگند که روابط موجود را حتماً و بی هیچ تردیدی دگرگون خواهیم ساخت

مردم و مجاهدین

عالمترین برداشت از یک ارتباط ارگانیک در پیوند دلها و اندیشه ها است

آدمدستی هیچ محزوری نه همی و نه معنی و نه قانونی... نه محزوری بدوید... دستوری که اگر سواد یکس بود... در هر گامی جز خواست ارتعاج که می خواستی و بویا بخواهی مسئله را بر سر می کنی نمی توانی توجیهی برای کارهای بیایی... بهرحال آمدند و فریادها را می شنیدند... هم بجای بی نرسید... به هر دردی که دریم نقد... گناهان بار دیگر ثابت شده گناه... ما فریاد زدیم... بوده و هست... و باشد که چنین باشد... ما فرزندیم... غمخه شویم... و بنا بر این باور است و آشوب را همس میبرد اعظم... با یاد آوری کوی و سوزن میشدیم... مثل گذشته گویا ساید به "خانه" ما همان باز می کشیم... عده ای از پلر اعران... شخص شجاعانه که گویا هم دردی بگری نداشتند جز ما... و انگاری که تمام مسائل خود را با ما و بدشگونیهایمان - اگر داشته باشند... حل شده... و فقط ما هستیم که مانع رواج حقیق آمانشان هستیم... آری این عده می خواستند و هنوز هم میخواهند که گناه "گناه" ما همان با زگریم... برای چه؟ در سبای اینکه در کلام ارتباط ما و شما میترسند... و اتفاقاً این ادراک غریزی به درست و سجا است... ما آواره بودیم... و در کنار همه... بیایلی که بر اینان بود... آمد... میجاد... نرس... به دلیل مبنی سیاسی ما... بیرون نیامد... و قطع ارتباط... تکمیل شده... ما و سبای که داشتیم که با شما حرف میزنیم... و در ردل کشیم... و شما تنها میدانستید که ما مراجعه کنید... نه گناه نام... بنویسید و انتقاد کنید... در ردل کنید و سبای دل بکشاید... خوشحالیم که در سبای بکشاید... و اگر غریک هستیم... آوارگی شما از

"آی یاران"

به من سبایت تخلیه ستا دجا هدین

آی

ای یاران آئی
تینان یکدام سوست؟
یکدام سوستانه رفته آید؟
که دشمن اینچنین غمناک
تقبیه سرداده است
و قلاب بدست

به قدمید ما می
از گل آلوده آب غلغ
به انتظار نشسته است
به کدام سوستانه رفته آید؟
که تینان کیتر سبایت زادی
در پیته بی آمان
آماج خویش میکند

کوشی که مفروضه
دروازه های غیرت شهرهای بی را
سربیش پای خلق
بگشاید

آی

آی

یکدام سوستانه رفته آید؟
خفتن از چیست؟
تینان یکدام سوست
اینجا انسان تجربه است
اینجا کلبه... خنثی است
اینجا خانه... "مقر" است
"سید" اینجا غنچه...
اینجا سجده است
کعبه است
معراب عبادت است
سرچشمه خون است و سواره
علم است و تجربه
اسمان است و اتحاد
اینجا تداوم گفتار زنده یاد "خنثی"
و جدت است

آی

تینان بسوی و جدت است
پرو عدت نشان رفته آید
مرداد ۵۸
م - سارون

(شهادت قلم و؟)

به پیشگاه خدا تسلیمت که...

"سپیده"

در گذر خون

"ستاره در نفس دود"

ایق نشسته به ماتم

کدام دیو گز می کند که از نفس

دوباره روح سحر در حریق میسوزد

کدام دیو گز می کند که از گذرش

زالان چشمه بدل شد به نفس لوتش و لجن

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

صدای پای قلم روسوی قربانگاه !!

و خیل روح شهیدان خلق مرثیه خوان

و بوی گند و تشبیل دیو گزیده روان

و چشم گاه این مبدشگفت،

به خواب ؟!

به پیشگاه خدا تسلیمت

به پیشگاه خدا تسلیمت که بار دگر

(۱) به (چلجای) زمان شد بهام او مطلوب

علیه در افاق دود و خون و خاکستر

فکنده سایه منحوس خود به گستر شهر

صدای پای که میاید ؟!

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

خوش باش، خوش

برادر ما هم نمیخواهیم همه...
ما را زگریم... ما...
هم نمی خواهیم دوباره...
آوارگی ای که در روزم سپیده...
فلسفی داشتیم پیدا کنیم...
میدانیم که باید بمانیم...
افشاری کنیم...
ایقلانی نما...
سرخ و خونین مردم...
ما هم بخشان...
می بینم...
شما ارتباط داشته باشیم...
چه میتوان کرد؟...
نیوا...
مکتبی ما...
هرچرا این...
چرا که...
آموخته اند...
و در وقت...
هر زمان...
میگردد...
بخواهیم...
و جقدر...
سفره...
همانطور...
خود را انسان...
بگذریم...
بپذیریم...
همه...
منتخاب...
و در وقت...
ما را در این...
ندیده...
خواهیم...
برپا...
خوب...
هست...
شما...
با سرخورد...
گفته...
در نظر...
هرما...
که راه...
نشستن...
حمله...
که هر...
میگردد...
در نظر...
قلب...
سبب...
نوشتن...
سایح...
که از...
برادر...
با شما...
فقال...
شیدانی...
هذات...
و ارحام...
و بوی...
آید...
آری...
و با ما...
سبب...
هستند...
و اما...
و با حضور...
کرد...

یکدیگر را...
بمانی...
بیامی...
کرد...
و با هر...
خواهیم...
مفهوم عمیق...
ولی آن...
آبادان...
همچون...
طا لاف...
فنا لاف...
بک روی...
خود شما...
دقیقا...
پیدا می...
آواره...
بودن ما...
بمانی...
و سراسر...
قسمت...
توجه...
هستم...
که این...
چشمان...
را گرفت...
اگر این...
تشریح...
را توفیق...
شما ارتباط...
چگونه...
دروغ...
وقتی...
آست...
خانه...
حالم...
برادران...
را می...
ارتباط...
کنند...
بگیریم...
شما...
هرگز...
به این...

هنگام از نوشتن...
که ببینم...
می توانم...
کمی...
چه می...
اینکه...
هائیکه...
آزان...
آذربایجان...
مشکل...
بفهم...
خواهران...
بماند...
و طبع...
هوادران...
مشکل...
که خاص...
و نشان...
است...
از یک...
اینگونه...
شایعات...
برینده...
انقلابی...
حما...
این...
که شایع...
برادران...
اینکه...
کدام...
دارند...
ما از...
اسیران...
همه...
این...
میگوشید...
که چاه...
باید...
فریب...
شما...
پهلوان...
استند...
کارگر...
و باکت...
و میخوا...
آزاد...
کبیر...
چگونه...
و چاه...
می...
خود...
دست...
خواه...
بمانی...
فنا...
برای...
انقلابی...
به...
میلیون...
در...
فما...
تومان...
رامی...
مشکل...
المالو...
است...

در ارتقاء کیفیت مجاهد با همکاری کنید

جهت بالابردن کیفیت...
تشریح...
عزیزی...
و شما...
شهران...
در پاسخ...
چه...
می...
مطلب...
و با...
و با...
دهد...
که از...
استفاده...
مطلب...
فنا...
برای...
انقلابی...
به...
میلیون...
در...
فما...
تومان...
رامی...
مشکل...
المالو...
است...

در ارتقاء کیفیت مجاهد با همکاری کنید

جهت بالابردن کیفیت...
تشریح...
عزیزی...
و شما...
شهران...
در پاسخ...
چه...
می...
مطلب...
و با...
و با...
دهد...
که از...
استفاده...
مطلب...
فنا...
برای...
انقلابی...
به...
میلیون...
در...
فما...
تومان...
رامی...
مشکل...
المالو...
است...

اسنادی از توپنه های سیستم آریامهری (۱)

ضرورت افشای و تحلیل برنامه ها و شیوه های عمل رژیم پهلوی

«اعلوا لعلکم تذا» مستنوع عقل
روایه: «ان رواه کثیر» و رعایه
قلیل ۹۴ نهج البلاغه

«چون خبری را شنیدید از روی
تدبیر اندیشه در آن نگاره کنید، نه
چون راویان و نقل کنندگان، زیرا که
راویان خبر و نقل کنندگان علم و اندیشه
سپارند، اما اندیشه و تدبیر کنندگان در
آن بسیار اندک می باشند.»

با سرگونی رژیم مزدور پهلوی و
روی کار آمدن رژیم که از اعتماد مردم
برخوردار است، انتظار می رود که بسیاری
از اسرار و رمز و رازهای آن سیستم مغفیر
بر ملا شود.

افتای این مسائل که بخش مهمی از
جراثیم و توپنه های آن سیستم ضد خلقی
را تشکیل می دهد از وظایف نظامی و خلقی
یک حکومت مردمی بحساب می آید. بویژه
آن قسمت که به ارگان دیکتاتوری یعنی
ارگان رژیم سرکوب شاه مربوط می شود
چرا که میدانیم رژیم پهلوی پوسیده و ضد-

خلق است. از آنجا که هیچ پایگاهی در زمین
نبرد ندارند و از آنجا که جز به بغارت
و چالاول منابع ملی و بهرکردی پندگی
کشیدن توپنه ها و خوش بختی به اربابان
سیگانه نمی اندیشند، تاگزیر به دیکتاتوری
و سرکوب نامرئوس و پویش از هر چیز نفیست
و تحکیم سیستم های نظامی و امنیتی می-
پردازند. تا بدینوسیله باقیام و پستی بی-
مردم و بیخیزان انقلابی آنها مقابله
نمایند. بدینوسیله که در این رهگذار از
بکار رفتن هر امکان اعمال ضد شیوه نظامی-
سپارگانه آگاهی ندارند و در این مسیر
هر روز مابیت پلید ضد مردمی و غفلت
و ابستگی خود را با سرگردگی بیشتر به
امپریالیسم باور می دهند. و نتیجتاً
«هنی» خلقی را خاطر ملاحظ خود
اربابان ایشان برای می دهند ۱۱
من باب مثال قرارداد های تنگین

گزارشی از دیدار و نامیدنگان جنبه آزادیبخش خلق عمان (۲)

جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی - ضد استعماری بنا شد است

روبر بودیم. عده معدودی بودند که
ایستاد و آخرفرمانگاری در مورد
مارکسیسم - لنینیسم صحبت میکردند.
و همچنین با بحث و موعظه گریه برای
ما شدند که امروز شاهدی هستید. اینها
بدون توجه به شرایط خاص جامعه می
خواستند نقطه نظرهای خود را اعمال
کنند. اما ما این اجازه را به آنها ندادیم.
هم - بهر حال ما نسبت به کل جریان
تغییر ایدئولوژی نارایان آگاهی داریم و
تجزیات آن را نمیدانیم. به نظر ما این
یک جریان روشنفکرانه است که رابطه و
پیوندی با توده ها ندارد. به نظر ما
هیئت روشنیست یک پدیده روشنفکرانه
است.

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: حالا با توجه به
اینکه فردا داریم میروید در مورد نیرو-
های درون خلقی خودتان و اینکه جنبه
شما از چه نیرو هایی تشکیل شده توضیح
بدهید.

مجاهدین: در ابتدا سئوالی دهه
۶۰ به سازمان مغفی وجود داشتند که
بیشتر با سوسیالیست بودند. این سازمان
مانها عبارت بودند از: جنبش ناسیونالیست
عرب، ناصر پهلوی، ناصر پهلوی که
در درون ارتش از اسرار و سران آزاد
ملتی تشکیل شده بود. اینها در آن زمانها

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

جراستادان رژیم گذشته خوشترند؟

شما خانه انطور که انتظار صرفت
مقامات فعلی اسناد و مدارک رژیم قبلی
را منتشر کردند. و در این زمینه دلیل
فایده ندهای مدارا نه دادند. البته در
همان اوائل پیروزی بطور خیلی محدود
اینکار صورت گرفت. به این حنا که برخی
مطبوعات با اینکار خود دست به انتشار
بخشی از اسناد محرمانه ارتش شاهنشاهی
هی زدند. لکن اولاً «خیلی زود متوقف
شد» تا بدیه به این دلیل که دیگر دسترسی
به اسناد (گرفتند) و ثانیاً همان اسناد منتشر
شده هم توأم با توضیح و تفسیر نگری
شخصی نبود. در حالیکه این قبیل
اطلاعات نسبتاً با اسی در هر شرایطی
عمومی فرارگیرد، بلکه همچنین لازم است
تدریجاً هر کدام توضیحات روشن کنند
تا تحلیل شخصی ارائه شود تا برای مردم
قابل فهم بوده و بتوانند بدینوسیله
آگاهی و بینش سیاسی خود را ارتقا
دهند. والا اسنادی ساده و خشک و جالی
انها چه بسا حاوی نکات مهم با شخصی
بوده و لذا در سطح محدودی قابل ملاحظه
باشد.

در این جا ممکنست سوال شود که
چه نتیجه چشمگیری برای کار مشترک
است؟ مگر نه اینکه رژیم فاسد قبلی با
تمام قوا و تشکلهای خود با کائنات سقوط
کرده، و بعد از این هم امکان بازگشتی
نبرد ندارد؟ بنابراین فرضاً هم که مردم
به اسرار و اطلاعات محرمانه آن می برند
چه سئوالی از سائل فعلی حل میشود.
جز اینکه مداری بر محفوظات و مخداری
هم بر تغیرات نسبت به رژیم قبلی افزوده
شود؟ در پاسخ به سئوالات فوق باید
خاطر نشان کرد که منظور از افشای این
قبیل اسناد، آگاهی (و بی نتیجه)
نسبت به یک سری اطلاعات و آمار و ارقام
کنه شده نیست، بلکه بدینوسیله در قضا
شده زنده و معنوی دنبال میشود. زیرا
هدف اصلی و مقصود (استند و تحلیلی)
از این افشای، مردم را نسبت به کارهای
ایران، ملکه کارهای بطور کلی شیوه کار
رژیمهای دیکتاتوری، و استعماری ضد خلقی
آگاه میکند، و نسبت به شکل و ستموری
فرضاً و توپنه های امپریالیستی هشدار

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: سئواله مهم شیوه

های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

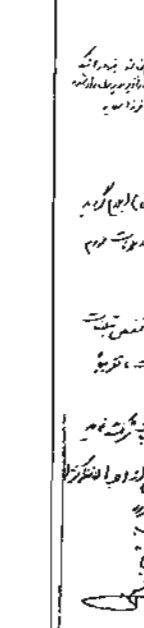
مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

اسمال دارند.

در پایان از مقامات مسئول هم می-
خواهیم که با توجه به ضرورت موضوع و
با استفاده از امکانات فراوانی که در این
زمینه دارند پیش از این موضوع را منتشر
کنند. و هر چه زودتر آتش را بکنند
این قبیل اسناد را در دست کار قرار
داده و بدینوسیله یکی از وظایف ضروری
خود جامعه عمل بپوشانند.
نظام وابسته امپریالیسم شیوه های
تفرقه افکنی را چگونه نباید میگرداند؟
از آنجا که استعمار رمز پیروزی
انقلاب را در وحدت صفی نیروهای
خلق و بررسی شخصی داده بود.
همواره تلاش میکرد به فرس این وحدت
را به تفرقه تبدیل کند. در نتیجه با



مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: سئواله مهم شیوه

های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

مجاهدین: ما این را بصورت علنی
اعلام نکردیم. به این دلیل که نخواهیم
سبب اختلافات را میقتد و گسترده تر
کنیم. در هر مورد هایی که ما آنها داشتیم
تفاوتان را در مورد و امتثال کنیم.
ضمیم اینکه در شرایطی قرار داشتیم که
مورد حمله و فشار بودیم. آنها هم در
مورد مواضع ما ناراضی بودند و آن را
عقب نشینی می دانستند.

مجاهدین: آیا اکنون با انسان
رابطه ای دارید؟
مجاهدین: رابطه ما با انسان
مجاهدین است نه با عناصر آن.
جنبه با تکیه بر مواضع ضد ارتجاعی
و ضد استعماری بنا شده است.

مجاهدین: در ایران روی چه
استراتژی یک بهر حساب میکند وحدت
داشته باشد؟
مجاهدین: در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای
مترقی هستند. بدون در نظر گرفتن
ایدئولوژی آنها. در حقیقت ما تأکید بر این
داریم که این نیروها ضد امپریالیسم

مجاهدین: سئواله مهم شیوه
های ارتجاعی اعمال شده است. سئواله
تغییر ایدئولوژی نبوده است. مومنگیری
صحیح و اصولی شما خیلی برای ما اهمیت
دارد. - حالا که به ایران آمده اید برای
خودتان هم مهم است. انتظار ما از نیرو-
های انقلابی اینست که به لحاظ اینکه
در آینده هم امکان چنین اسرافانی
منفی نیست، موضع صحیح داشته
باشند. و اما اینکه کنید این جریان را
محکوم کردید آیا این محکوم کردن
ملتی بوده است؟

